

الدرس الأول

٨ ذاك هو الله (مرور قواعد پایه)

الدرس الثاني

٢٩ الموعظ العددية (عدد، ساعت و عمليات حسابی)

الدرس الثالث

٤٤ مطر السمك (فعل های گروه اول)

الدرس الرابع

٥٧ التعايش السلمي (فعل های گروه دوم)

الدرس الخامس

٦٩ هذا خلق الله (جملة فعلیه و اسمیه)

الدرس السادس

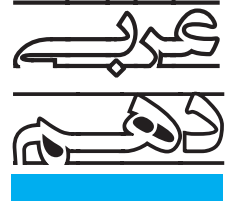
٨٣ ذوالقرنين (فعل مجهول)

الدرس السابع

٩٥ يا من في البحار عجائبه (جار و مجرور و نون وقایه)

الدرس الثامن

١٠٧ صناعة التلميح في الأدب الفارسي (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)



الدرس الاول

۱۲۰ مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ (اسم تفضيل و اسم مكان)

الدرس الثاني

۱۳۴ فِي مَخْضَرِ الْمُعَلِّمِ (اسلوب شرط)

الدرس الثالث

۱۴۶ عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ (اسم معرفه و اسم نكره)

الدرس الرابع

۱۵۸ آدَابُ الْكَلَامِ (جملة بعد از اسم نكره)

الدرس الخامس

۱۷۰ أَلَكِيدُ مِفْتَاحِ لِكُلِّ شَرٍّ (ترجمه فعل مضارع «ا»)

الدرس السادس

۱۸۲ أَنَّهُ مَارِي شِيمِلِ (ترجمه فعل مضارع «ا»)

الدرس السابع

۱۹۶ تَأْتِيهِزُ اللُّغَةُ الْفَارْسِيَّةُ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ (افعال ناقصه)

۲۱۱ **جمع بندي قواعد**

۲۱۷ **جمع بندي ترجمه**

۲۲۱ **آزمون های جامع**

۲۳۰ **ياسخ نامه تمرين های تستی**

۳۰۲ **ياسخ نامه آزمون های جامع**

۳۰۴ **ياسخ نامه كليدي پرسش های آزمون سراسری**

گزیده جملات مفهومی



پروردگارا، ما را با قوم ظالمان قرار نده.	رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.
سپاس خدایی را که آسمانها و زمین را آفرید.	الحمد لله الذي خلق السماوات والأرض.
ای کسانی که ایمان آوردید، چرا چیزی را می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ.
نصف علم این است که بگویی «نمی‌دانم». / گفتن «نمی‌دانم» نصف دانش است.	قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.
در طلب علم باشید، حتی در چین؛ زیرا طلب علم واجب است.	اطلبوا العلم و لو بالصين، فإن طلب العلم فريضة.
هنگامی که بر دشمنت پیروز شدی، او را به شکرانه پیروزیات بر او ببخش.	إذا قدرت على عدوك فأجعل العفو عنه شكراً للقدرة عليه.
ای پروردگار ما، آسمانها و زمین را بیهوده نیافریدی.	ربَّنَا مَا خَلَقْتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَاطِلًا.
به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حجشان ننگرید.	لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم و صومهم و كثرة الحج.
کار نیکو انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید آگاه هستم.	و اعملوا صالحاً إني بما تعملون عليم.
هرگاه فرومایگان به فرمانروایی رسیدند (برسند)، شایستگان هلاک شدند (می‌شوند).	إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.
سخن مانند داروست؛ اندکس سودرسان و زیادش گشونده است.	الكلام كالدواء؛ قليله نافع و كثيره قاتل.
به آنچه گفته است بنگر و به آن که گفته است ننگر.	أنظر إلى ما قال و لا تنظر إلى من قال.
هر کس دشمنی کاشت (بکارد)، زیان درو کرد (درو می‌کند).	من زرع العداوة حصد الخسران.
به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.	إرحم من في الأرض يرحمك من في السماء.
برای دنیابت چنان کار کن گویی همیشه زندگی می‌کنی و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا می‌میری.	إعمل لدنياك كأنك تعيش أبداً و اعمل لآخرتك كأنك تموت غداً.

آشنایی با الگوهای تستی واژگان و مفاهیم



الگوی اول: تشخیص مترادف و تضاد

سؤال: عین الخطأ عن الترادف و التضاد.

- ۱ جدوة: شررة / العداوة ≠ الخسران
۲ سحاب: غيم / رخيصة ≠ غالية
۳ فائز: ناجح / بداية ≠ نهاية
۴ المرء: الإنسان / مسموح ≠ ممنوع

پاسخ: ۱ و ۲. «عدوان» است و با الخسران به معنی «زیان» متضاد نیست، پس گزینه اول پاسخ است.

الگوی دوم: تشخیص جمع‌های مکسر

سؤال: عین الصحيح في الجمع:

- ۱ فستان: فساتين / حجرة: أحجار ۲ غصن: عُصون / نعمة: أنعم
۳ صوم: صيام / دُرّ: دُرر ۴ عدو: عداوة / غيم: غيوم
پاسخ: ۱ و ۲. جمع حجرة (اتاق)، حجات است؛ أحجار جمع حجر (سنگ) است؛ صوم (روزه) و صيام (روزه گرفتن) هردو مصدر و مفرد هستند. گزینه ۳: عدو (دشمن مفرد است و جمع آن أعداء است) و عداوة (دشمنی) هردو مصدر و مفرد هستند، پس گزینه دوم پاسخ است.

الگوی سوم: تشخیص معنای واژه

تشخیص معنای واژه به صورت مستقل / تعریف واژه به عربی / پرکردن جای خالی / تشخیص واژه غیر مرتبط

سؤال: ما هو الخطأ حسب التوضيحات.

- ۱ بخار متراکم في السماء يُنزل منه المطر و الثلج: السحاب
۲ الأجزاء الغالية ذات اللون الأبيض: الدرر
۳ كوكب يدور حول الأرض و ضباؤه من الشمس: التجم
۴ من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة: الفستان
پاسخ: ۱. بخار متراکم در آسمان که از آن باران و برف می‌بارد = السحاب (ابر) گزینه ۲: سنگ‌های ارزشمند سفیدرنگ: الدرر (مرواریدها) گزینه ۳: سیاره‌ای که دور زمین می‌چرخد و نورش از خورشید است القمر (ماه) است نه النجم (ستاره) گزینه ۴: از لباس‌های رنگارنگ زنانه: الفستان (پیراهن زنانه)، پس گزینه سوم پاسخ است.

الگوی چهارم: سؤال‌های مفهومی

قربت معنایی / مفهوم کلی جمله / تناسب پرسش و پاسخ

سؤال: «کم گوی و گزیده گوی چون در» عین المناسب للمفهوم:

- ۱ الكلام كالدواء قليله نافع و كثيره قاتل.
۲ قول «لا أعلم» نصف العلم.
۳ أنظر إلى ما قال و لا تنظر إلى من قال.
۴ لِمَ تقولون ما لا تفعلون.

پاسخ: صورت سؤال درباره «کم سخن گفتن و سخن مفید گفتن» است. گزینه ۱: «سخن مانند داروست، اندک آن سود می‌رساند و زیاد آن کشنده است.» پس این گزینه درباره «کم سخن گفتن» است. گزینه ۲: «گفتن «نمی‌دانم» نیمی از علم است.» پس این گزینه درباره «اهمیت اعتراف به ندانستن در راه علم‌آموزی» است. گزینه ۳: «به آنچه گفت بنگر، نه به آن که گفت.» این گزینه درباره «اهمیت سخن در برابر گوینده سخن» است. گزینه ۴: «چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟» این گزینه درباره «عمل به حرف» است. می‌بینیم که همه گزینه‌ها به «سخن گفتن» ربط دارد، ولی فقط گزینه ۱ با صورت سؤال قربت معنایی دارد، پس گزینه اول پاسخ است.

هَلْ أَجِبْتُ نَزُولَ الْمَطَرِ مِنَ الْغَيْمِ فِي فَصْلِ الشَّتَاءِ. عَيْنُ السُّؤَالِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ:

- ۱ مِمَّ يَنْزِلُ الْمَطَرُ؟
۲ مَتَى يَنْزِلُ الْمَطَرُ؟
۳ هَلْ تُجِيبِينَ نَزُولَ الْمَطَرِ فِي بَعْضِ الْفُصُولِ؟
۴ كَيْفَ يَنْزِلُ الْمَطَرُ؟

پاسخ: سؤال از شما می‌خواهد پرسشی را پیدا کنید که پاسخ آن در جمله «من باریدن باران از ابر در زمستان را دوست دارم» وجود نداشته باشد. گزینه ۱: «باران از چه چیز می‌بارد؟» از جمله می‌فهمیم که باران «از ابر» می‌بارد. گزینه ۲: «باران کی می‌بارد؟» از جمله می‌فهمیم که باران «در زمستان» می‌بارد. گزینه ۳: «آیا بارش باران در برخی فصول را دوست داری؟» از جمله می‌فهمیم که باران «در فصل زمستان» مورد علاقه گوینده جمله است. گزینه ۴: «باران چگونه می‌بارد؟» جمله چیزی درباره کیفیت و چگونگی بارش باران نگفته است. به این ترتیب، می‌بینیم که به جز گزینه ۴، پاسخ بقیه سؤال‌ها را از صورت سؤال می‌توانیم به دست بیاوریم، پس گزینه چهارم پاسخ است.

الگو بیندیم: درک مطلب

روش پاسخگویی به سؤال‌های درک مطلب

ابتدا یک بار، خیلی سریع متن را مرور کنید. در این مرور، اگر معنای کلمه‌ای را نمی‌دانید کافی است همان واژه عربی را در ترجمه جایگزین کنید. نکته مهم در پاسخ‌گویی به سؤالات بخش درک مطلب این است که شما نه وقت ترجمه دقیق جملات را دارید و نه اصلاً نیازی به این کار وجود دارد. تقریباً همه این سؤالات به مفهوم کلی ارتباط دارند؛ پس برای پاسخ به این سؤال‌ها باید کلمات مهم هر جمله را تشخیص دهید و در ذهنتان ارتباط منطقی میان این کلمات مهم برقرار کنید و در نهایت گزینه‌ای را انتخاب کنید که به مفهومی که در ذهن ساخته‌اید نزدیک‌تر باشد.

هَلْ أَقْرَأَ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبَ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

أُ رَأَيْتَ شَجَرَةً مُرْتَفِعَةً أَوْ فَاكِهَةً لَذِيذَةً؟ أَلَمْ تَكُنْ هَذِهِ بَدْرَةً ثُمَّ أَضْبَحْتَ مَا تَرَاهَا الْآنَ فِي الطَّبِيعَةِ؟ الرَّبِيعُ قَدْ جَاءَ بِأَزْهَارِهِ بَعْدَ الشَّتَاءِ وَ فِي الصَّيْفِ نَسْتَفِيدُ مِنَ الْفَوَاكِهِ وَ صَارَ الْجَوُّ فِي بَعْضِ الْمَنَاطِقِ حَارًّا جَدًّا ثُمَّ نَرَى سُقُوطَ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ فِي الْخَرِيفِ. تِلْكَ هِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ وَ نِعْمَتُهُ وَ عَلَيْنَا شُكْرُ هَذِهِ النِّعَمِ. فَتَقُولُ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

علی حسب النص:

- ۱ الفصول جميلة و الربيع أجمل.
۲ مشاهدة الفصول من نعم الله.
۳ علينا أن نشكر الله على مواهبه.
۴ نقول «الحمد لله» بعد إتمام الفصول.

عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱ إنَّ تَغْيِيرَ الْفُصُولِ مِنْ قُدْرَةِ اللَّهِ.
۲ إنَّ لَمْ تَكُنْ حَرَارَةُ الصَّيْفِ مَا حَصَلْنَا عَلَى الْفَوَاكِهِ.
۳ سُقُوطُ الْأَوْرَاقِ فِي الْخَرِيفِ نَقْصٌ فِي الطَّبِيعَةِ.
۴ لِكُلِّ شَجَرَةٍ فَاكِهَةٌ يَسْتَفِيدُ الْإِنْسَانُ مِنْهَا.

عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ: نَشْكُرُ اللَّهَ

۱ لوجود الفصول في الطبيعة.

۲ لأننا نرى نعمة الله و نستفيد منها.

۳ لأنَّ مَنْ لَمْ يَشْكُرْ نِعْمَ اللَّهِ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَسْتَفِيدَ مِنْهَا.

پاسخ: معنی متن: «آیا درختی بلند یا میوه‌ای لذیذ را دیده‌ای؟ آیا این دانه‌ای نبوده است که اکنون به آن چه آن را در طبیعت می‌بینیم تبدیل شده است؟ بهار شکوفه‌هایش را بعد از زمستان آورده است، و در تابستان از میوه‌ها استفاده می‌کنیم و هوا در برخی جاها واقعاً گرم می‌شود. سپس افتادن برگ‌های درختان را در پاییز می‌بینیم. این قدرت خداوند و نعمت اوست و شکر این نعمت‌ها بر ما واجب است؛ پس می‌گوییم: «سپاس از آن خداوند است که پروردگار جهانیان است.»

سؤال: براساس متن: گزینه ۱: «فصول زیبا هستند و بهار زیباتر است.» در متن حرف از زیباتر بودن هیچکدام از فصول نیست. گزینه ۲: «مشاهده فصول از نعمت‌های خداوند است.» بله؛ «مشاهده» نعمتی از نعمت‌های خداوند است، اما جایی از متن به آن اشاره نشده است. «بر ما واجب است که خداوند را به خاطر نعمت‌هایش شکر کنیم.» این جمله مفهوم کلی و هدف متن است. گزینه ۳: «بعد از پایان فصل‌ها می‌گوییم: الحمد لله.» در متن گفته نشده است که «بعد از پایان فصل‌ها» خدا را شکر می‌کنیم، بلکه گفته شده به دلیل این که فصل‌ها نعمتی از خداوند هستند، خدا را شکر می‌کنیم، پس گزینه سوم پاسخ است.

سؤال: صحیح را تعیین کن: گزینه ۱: «تغییر فصول از قدرت خداوند است.» این جمله در متن وجود دارد. گزینه ۲: «اگر گرمای تابستان نبود، میوه به دست نمی‌آوردیم.» جایی از متن به چنین شرطی اشاره نشده است. گزینه ۳: «افتادن برگ‌ها در پاییز نقص در طبیعت است.» هیچ کجای متن چنین حرفی نیست. گزینه ۴: «هر درختی میوه‌ای دارد که انسان از آن استفاده می‌کند.» چنین مفهومی در متن وجود ندارد، پس گزینه اول پاسخ است.

سؤال: اشتباه را پیدا کن: «خداوند را شکر می‌کنیم...» گزینه ۱: «به خاطر وجود فصل‌ها در طبیعت.» بله؛ در متن چنین مفهومی هست. گزینه ۲: «چون نعمت‌های خداوند را می‌بینیم و از آن استفاده می‌کنیم.» بله؛ این مفهوم هم در متن وجود دارد. گزینه ۳: «تا به خدا نزدیک شویم و از بندگان شکر گزار او باشیم.» مفهوم کلی متن همین است. گزینه ۴: «چون اگر کسی نعمت‌های خداوند را شکر نکند نمی‌تواند از آن‌ها استفاده کند.» در متن چنین مفهومی وجود ندارد؛ یعنی این که اگر شکر نکنیم نمی‌توانیم از نعمت استفاده کنیم در متن ذکر نشده است، پس گزینه چهارم پاسخ است.

قواعد

(مروری بر قواعد سال‌های پیش^۱)

اسم‌ها از نظر جنس

در عربی اسم‌ها یا مؤنث (زن یا جنس ماده) هستند یا مذکر (مرد یا جنس نر).

معمولاً آخر اسم‌های مؤنث «ة» وجود دارد.

مثال: تَلْمِيذَةٌ = دانش‌آموز دختر

مثال: تَلْمِيذٌ = دانش‌آموز پسر

۱- در عربی، سه نوع کلمه وجود دارد: اسم و فعل و حرف. بعضی علائم به شناخت نوع کلمه کمک می‌کند؛ برای مثال، اگر بر سر کلمه‌ای «قد، لم، لقا، سوف» باشد، آن کلمه «فعل» است و اگر کلمه «ال» یا «تنوین» داشته باشد، «اسم» است.

الگو دوم: اسم‌های اشاره و کاربرد آنها

رویش پاستنگری

۱- لازم است اسم‌های اشاره را برای مذکر و مؤنث، و مثنی و جمع بشناسید. / ۲- دقت کنید اسم اشاره در جمله به کدام کلمه اشاره می‌کند و اسم اشاره را هماهنگ با آن کلمه انتخاب کنید. / ۳- اگر کلمه مورد اشاره جمع غیرانسان است از هذه یا تلك استفاده کنید.

مثال: عین الخطأ في اسم الإشارة:

۱ هذان الطفلان تَبْكِيان كثيراً.

۲ یا صدیقان، إخیلاً هذه الكُتُب.

۳ هو الَّذي يَدْخُلُ هذا البيت.

۴ هؤلاء الطَّلَابُ وصلوا إلى سنِّ البلوغ.

پاسخ: سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، در مورد اسم اشاره اشتباه وجود داشته باشد. در گزینه ۱: چون «الطفلتان» و «تَبْكِيان» مثنی و مؤنث هستند، به جای «هذان» باید «هاتان» بیاید. پس این گزینه غلط دارد و پس گزینه اول صحیح است. معنی جمله به شکل صحیح: «این دو دختر بچه بسیار گریه می‌کنند.» گزینه ۲: «ای دوستان من، این کتاب‌ها را ببرید.» کُتُب جمع مکسر غیر انسان است و اسم اشاره آن به درستی به صورت «هذه» آمده است. گزینه ۳: «او کسی است که به این خانه وارد شد.» التَّيْتُ مذکر است و اسم اشاره آن به درستی به صورت «هذا» آمده است. گزینه ۴: «این دانش‌آموزان به سن بلوغ رسیدند.» الطَّلَابُ جمع مکسر «الطَّالِب» است و اسم اشاره آن به درستی به صورت «هؤلاء» آمده است.

الگو سوم: شناخت ضمایر و کاربرد آنها

رویش پاستنگری

۱- انواع ضمیر را بشناسید و آن‌ها را در جمله تشخیص دهید. / ۲- دقت کنید که ضمیر مورد نظر شما به کدام کلمه مربوط می‌شود و از خودتان بپرسید: آیا این ضمیر از نظر جنس و تعداد با آن کلمه هماهنگ است؟ / ۳- دقت کنید که ضمیر مناسب برای جمع‌های غیرانسان ضمیری است که مفرد مؤنث باشد؛ یعنی «هی» و «ها» / ۴- دقت کنید که ضمیرهای پیوسته (مثل: ك، ي و غیره) هرگز تنها و مستقل دیده نمی‌شوند.

مثال: عین الخطأ في مطابقة الضمير مع اسم الإشارة:

۱ هذه دفاترنا و نحن نكتب فيه.

۲ هؤلاء إخواني و أنا أجيبهم.

۳ هذان الوالدان ذهبا من بيتهما إلى مدرستة و لدهما.

۴ هذا الكرسي جميل و أريد أن أشتريه.

پاسخ: سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، مطابقت ضمیر و اسم اشاره نادرست باشد. در گزینه ۱، کلمه کلیدی «دفاتر» (جمع مکسر «دفتر») است. این کلمه جمع مکسر غیرانسان است و ضمیر آن باید به صورت مفرد مؤنث بیاید. اسم اشاره آن به درستی به صورت «هذه» بیان شده، ولی ضمیر «ه» در «فیه» نادرست و شکل صحیح آن «فیها» است. دقت کنید وقتی ضمیر به غیرانسان برمی‌گردد، در ترجمه فارسی به صورت اسم اشاره ترجمه می‌شود. معنی جمله: «این‌ها دفترهای ما هستند و ما در آن‌ها می‌نویسیم.» پس گزینه اول پاسخ است. گزینه ۲: «این‌ها برادران من هستند و ایشان را دوست دارم.» گزینه ۳: «این پدر و مادر از خانه‌شان به مدرسه پسرشان رفتند.» گزینه ۴: «این صندلی زیباست و می‌خواهم آن را بخرم.»

الگو چهارم: تشخیص انواع فعل

رویش پاستنگری

۱- لازم است ظاهر فعل‌ها را در انواع و زمان‌های مختلف خوب شناخته باشید.

۲- به این علامت‌ها در فعل توجه کنید:

☺ فعل‌هایی که آخرشان به این شناسه‌ها ختم شود حتماً ماضی هستند: ث، ت، ثما، ثم، ت، ثما، تُن، تُ

☹ در فعل‌های مضارع حتماً در ابتدای فعل یکی از این حروف را می‌بینید: ی، ت، ا، ن

۲- بهتر است هر فعل را با منفی آن با هم به خاطر بسپارید: (فَعَلَ: ماضی) ⇐ ما فَعَلْ: ماضی منفی)

۳- توجه داشته باشید که اگر بر سر فعلی «لا» بیاید، ماضی نیست؛ ولی ممکن است نفی یا نهی باشد. در این رابطه به شکل ظاهری انتهای فعل مضارع دقت کنید:

مثال:	لا تفعَلْ	انجام نمی‌دهی (نفی)
مثال:	لا تفعَلْ	انجام نده (نهی)
مثال:	لا تفعَلان	انجام نمی‌دهید (نفی)
مثال:	لا تفعلا	انجام ندهید (نهی)

فعل به خودی‌خود نفی یا نهی نیست «لا» تعیین می‌کند نفی یا نهی باشد. همان‌طور که می‌بینید «لا» ی نفی تأثیری روی ظاهر فعل مضارع ندارد ولی «لا» ی نهی موجب ساکن شدن حرف آخر و یا حذف «ن» در بعضی اشخاص در فعل مضارع می‌شود.

۴- دقت کنید که در جمع‌های مؤنث، وقتی «لا» بر سر فعل می‌آید، از ظاهر فعل نمی‌توان تشخیص داد که فعل نفی است یا نهی. در این موارد باید به سایر کلمات و معنی جمله توجه کرد:

ترجمه

برای ترجمه درست لازم است:

- به واژگان و اصطلاحات کتاب‌های درسی خود مسلط باشید.
- قواعدی را که به ترجمه صحیح کمک می‌کند بدانید و به کارگیری آن‌ها را در ترجمه بیاموزید.
- تمرین کنید که چگونه می‌توان از معادل‌های مفهومی به منظور تبدیل یک متن به ترجمه روان استفاده کرد.

(مروری بر نکات کلیدی ترجمه در کتاب‌های عربی هفتم، هشتم و نهم)

ترجمه جمله‌هایی که در آن‌ها اسم اشاره به کار رفته است

ابتدا لازم است معانی اسم‌های اشاره را بدانیم:

هَذَا، هَذِهِ	هَذَانُ / هَٰؤُلَاءِ، هَٰئِینَ / هَٰئِینَ	هَٰؤُلَاءِ	ذَٰلِكَ، تَٰلِکَ	اُولَٰئِکَ
این	این‌ها / این دو	این‌ها	آن	آن‌ها

«هَذَانُ / هَٰؤُلَاءِ» و «هَٰئِینَ / هَٰئِینَ» در عربی برای اشاره به دو نفر به کار می‌روند (معادل «این دو» در فارسی)؛ ولی می‌توان این کلمه‌ها را «این‌ها» هم ترجمه کرد. حال ببینیم ترجمه اسم‌های بعد از اسم اشاره چگونه است؛ به جمله‌های زیر و ترجمه آن‌ها توجه کنید:

- هَذَا رَجُلٌ = این، یک مرد است. • هَٰئِینَ بَنَاتٌ = این‌ها، دو دختر هستند.
- هَذَا الرَّجُلُ طَیِّبٌ = این مرد، پزشک است. • هَٰئِینَ الْبَنَاتُ نَظِیْقَاتٌ = این دو دختر، تمیز هستند.
- هَٰؤُلَاءِ لَاعِبُونَ = این‌ها، بازیکن هستند. • هَٰؤُلَاءِ الْلَاعِبُونَ فَائِزُونَ = این بازیکن‌ها، برنده هستند.

بر اساس این ترجمه‌ها نتیجه می‌گیریم:

- در جمله‌هایی که اسم بعد از اسم اشاره، «ال» ندارد می‌توانیم بین اسم اشاره و اسم پس از آن مکث کنیم:

هَذَا رَجُلٌ = این، مرد است.

- در جمله‌هایی که اسم بعد از اسم اشاره، «ال» دارد نباید بین اسم اشاره و اسم پس از آن مکث کنیم؛ بلکه باید بعد از اسمی که «ال» دارد، مکث کنیم:

هَذَا الرَّجُلُ طَیِّبٌ = این مرد، پزشک است.

- اگر اسمی که بعد از اسم اشاره آمده است «ال» داشته باشد و جمع باشد، اسم اشاره در فارسی به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

هَٰؤُلَاءِ الْلَاعِبُونَ فَائِزُونَ = این بازیکن‌ها، برنده هستند.

تأثیر جنس و تعداد اسم‌ها در ترجمه

در ترجمه به مذکر یا مؤنث بودن و هم‌چنین تعداد (مفرد، مثنی یا جمع بودن) در اسامی توجه کنید. و به یاد داشته باشید که در عربی علامت‌های اسم مثنی «ان» و «تین» (طالبان، طالبین) و علامت‌های جمع مذکر سالم «ون» و «ین» (معلمون، معلمین) و علامت جمع مؤنث سالم «ات» (معلمات) است و جمع بعضی اسم‌ها، مکسر است (طفل = اطفال)

دقت کنید که علامت «ین» میان اسم مثنی و جمع مذکر سالم مشترک است. در ترجمه توجه داشته باشید که اگر نون آخر کلمه مفتوح باشد یعنی داشته باشیم آن کلمه جمع و اگر مکسور باشد یعنی نداشته باشیم مثنی است.

- در بعضی موارد مفرد یا جمع بودن کلمه در فارسی و عربی هماهنگ نیست. در این رابطه به موارد زیر توجه کنید:

هَذِهِ كِتَابٌ = این‌ها کتاب هستند.

هَٰؤُلَاءِ الْمَسَافِرُونَ طَالِبُونَ = این مسافرها دانش‌آموز هستند.

چه مطلبی در این دو ترجمه توجه شما را جلب می‌کند؟

اول) در عربی، برای جمع‌های غیرانسان، فعل، ضمیر، اسم اشاره، و سایر موارد مربوط به آن به صورت مفرد مؤنث آورده می‌شود.

دوم) اگر فاعل جمله اسمی باشد که پس از فعل ذکر شده است، در زبان عربی فعل مربوط به آن به صورت مفرد می‌آید حتی اگر فاعل یک اسم مثنی یا جمع باشد. ولی در ترجمه، فعل به صورت جمع ترجمه می‌شود.

ذَهَبَ الطَّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ = دانش‌آموزان به مدرسه رفتند.

الطَّلَابُ جمع است و فاعل فعل قبل از خود است. بنابراین فعل برای آن به صورت مفرد آمده است، ولی جمع ترجمه می‌شود.

شناخت و کاربرد کلمات پرسشی

به معنای کلمات پرسشی زیر توجه کنید.

متی = کی؟ چه وقت؟	هَلْ، أَمْ، آیا؟
کَمْ = چند؟ چه قدر؟	مَنْ = چه کسی؟ چه کسانی؟
کیف = چگونه؟	مَا = چه چیزی؟ چیست؟ (مخفف «مادا»)
لِمَاذَا = چرا؟ برای چه؟	أَيْنَ = جا؟ کجاست؟

عَالَمٌ: «ذَهَبَ هَوْلَاءُ الرِّجَالِ إِلَى السُّوقِ لِشُرَائِ الْوَسَائِلِ لِيُصْنَعَ بَيْتَهُمُ الْخَشْبِيَّ». عَيْنُ الْأَصْحَحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ این‌ها مردانی هستند که برای خرید وسایل به بازار رفتند برای این‌که خانه چوبی خود را بسازند.
- ۲ این مردان برای خرید وسایل برای ساختن خانه چوبی‌شان به بازار رفتند.
- ۳ این مردان برای خرید وسایل ساختن خانه چوبی به بازار می‌روند.
- ۴ برای خرید وسایل، این مردان برای ساختن خانه چوبی آن‌ها به بازار رفت.

پاسخ:

● مرحله ۱) یافتن موارد کلیدی:

موارد کلیدی جمله عربی عبارت‌اند از:

زمان فعل جمله (ذهب)، نحوه ترجمه اسم اشاره و اسم پس از آن (هؤلاء الرجال)، نحوه ترجمه مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت‌های جمله (صنع البيت الخشبي)، ترجمه ضمیر (بیتهم). نکات این سؤال براساس مواردی است که در ابتدای بخش بیان کردیم.

● مرحله ۲) ردّ گزینه‌ها براساس موارد کلیدی:

فعل جمله، ذهب، ماضی است. به همین دلیل، ترجمه فعل به صورت مضارع در گزینه ۳ نادرست است. علاوه بر این، «ذهب» در جمله عربی قبل از «هؤلاء الرجال» آمده است و به همین دلیل به صورت مفرد ذکر شده است، ولی در فارسی به صورت جمع ترجمه می‌شود؛ یعنی ترجمه «ذهب» در فارسی باید جمع باشد؛ بنابراین «رفت» در گزینه ۴ هم نادرست است.

● مرحله ۳) مقایسه تطبیقی گزینه یا گزینه‌های باقیمانده با صورت سؤال:

دیدیم که گزینه‌های ۳ و ۴ نادرست هستند. حال دو گزینه باقی‌مانده را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. نخستین اختلاف در گزینه‌های ۱ و ۲ در ترجمه «هؤلاء الرجال» است؛ چون اسم بعد از اسم اشاره «ال» دارد و در این حالت، اسم اشاره همواره به صورت مفرد ترجمه می‌شود و اسم اشاره و اسم بعدی باید با هم (متصل به هم) ترجمه شوند. بنابراین «این‌ها مردانی هستند» در گزینه ۱ نادرست است. و می‌بینیم که تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۲ است.

از ویژگی‌های این روش این است که راه‌های مختلفی برای حذف گزینه‌های نادرست براساس نکات کلیدی وجود دارد و همیشه هم به یک جواب می‌رسد. مثلاً در همین تست، روش دیگری هم برای حذف گزینه‌ها وجود دارد: اگر اختلاف بین عبارت‌های «این‌ها مردانی هستند» و «این مردان برای خرید وسایل» و «برای خرید وسایل این مردان» و همچنین مفرد ترجمه شدن فعل جمله به صورت مفرد را پیدا می‌کردید، و می‌توانستید این دو وجه اختلاف را با صورت سؤال تطبیق داده و گزینه‌های ۱ و ۴ را رد کنید. و با دقت به عبارت «لِيُصْنَعَ بَيْتَهُمُ الْخَشْبِيَّ» می‌دیدید در گزینه ۳، ضمیر «هم» ترجمه نشده است؛ یعنی چون «صنع» مضاف و «بيت» مضاف‌الیه و همچنین «بيت» مضاف برای «هم» و «الخشبي» صفت «بيت» است ترجمه «برای ساختن خانه چوبی‌شان» درست است؛ و می‌بینیم که باز هم فقط گزینه ۲ باقی ماند.

هم‌چنین، در گزینه ۴ نیز «وسایل این مردان» نادرست است؛ زیرا در این صورت «وسایل» باید در عربی به صورت مضاف برای «این مردان» آمده باشد که چنین نیست. از ویژگی‌های این روش این است که راه‌های مختلفی برای حذف گزینه‌های نادرست براساس نکات کلیدی وجود دارد و همیشه هم به یک جواب می‌رسد. مثلاً در همین تست، روش دیگری هم برای حذف گزینه‌ها وجود دارد: اگر اختلاف بین عبارت‌های «این‌ها مردانی هستند» و «این مردان برای خرید وسایل» و «برای خرید وسایل این مردان» و همچنین مفرد ترجمه شدن فعل جمله به صورت مفرد را پیدا می‌کردید، و می‌توانستید این دو وجه اختلاف را با صورت سؤال تطبیق داده و گزینه‌های ۱ و ۴ را رد کنید. و با دقت به عبارت «لِيُصْنَعَ بَيْتَهُمُ الْخَشْبِيَّ» می‌دیدید در گزینه ۳، ضمیر «هم» ترجمه نشده است؛ یعنی چون «صنع» مضاف و «بيت» مضاف‌الیه و همچنین «بيت» مضاف برای «هم» و «الخشبي» صفت «بيت» است ترجمه «برای ساختن خانه چوبی‌شان» درست است؛ و می‌بینیم که باز هم فقط گزینه ۲ باقی ماند.

هم‌چنین، در گزینه ۴ نیز «وسایل این مردان» نادرست است؛ زیرا در این صورت «وسایل» باید در عربی به صورت مضاف برای «این مردان» آمده باشد که چنین نیست.

الگو دوم: ترجمه‌های چند عبارتی

در این الگو، در هر گزینه جمله‌ای متفاوت به همراه ترجمه آن آمده است و ما باید مشخص کنیم که کدام یک از ترجمه‌ها مناسب جمله مربوط به خودش است. این نوع سؤال‌ها ممکن است با عنوان: «عَيْنُ الصَّحِيحِ» و یا «عَيْنُ الْخَطَأِ» دیده شود. اصول کلی پاسخ‌دادن به این سؤال‌ها تفاوتی با الگوی اول ندارد. در این‌جا هم باید نکات کلیدی هر گزینه را پیدا کنید و آن‌ها را با ترجمه مقایسه کنید و ببینید آیا درست ترجمه شده اند یا نه. در این رابطه دقت کنید که اگر گزینه‌ها در ارتباط با هم باشند، عوامل تأثیرگذار در گزینه‌های قبل مانند ذکر فعل ماضی و یا وجود «كان» ممکن است روی گزینه‌های بعدی هم تأثیر بگذارد. دشواری سؤال‌های این الگو در این است که شما نمی‌توانید با مقایسه گزینه‌ها با همدیگر، معنی کلی را درک کنید و باید ترجمه هر جمله را فقط با معادل عربی آن در همان گزینه مقایسه کنید و هم‌زمان به کاربرد صحیح قواعد در ترجمه و ترجمه صحیح واژگان در هر عبارت، به طور جداگانه، دقت کنید؛ بنابراین، در این الگو، به تسلط و سرعت عمل بیشتری نیاز دارید.

عَالَمٌ: عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ الدُّرُّ مِنَ الْأَحْجَارِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ: مروارید از سنگ‌های ارزشمند دارای رنگ سفید است.
- ۲ إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ: به کسی که در زمین است رحم می‌کني تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.
- ۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ: ای کسانی که ایمان آوردید آن‌چه را انجام نمی‌دهید نگویید.
- ۴ مَنْ ذَا الَّذِي سَقَى فِي الْمَرْءِ بَصَرَهُ: چه کسی دیده را در مرد شکافت؟

پاسخ:

● در گزینه ۲، فعل «إِرْحَمْ» امر است و باید «رحم کن» معنی می‌شد. پس این گزینه غلط است.

● در گزینه ۳، «لِمَ» همان «لماذا» است؛ یعنی «برای چه». بنابراین: «لِمَ تَقُولُونَ» باید معادل «برای چه می‌گوئید» ترجمه می‌شد. پس این گزینه هم غلط است.

● در گزینه ۴، ضمیر «ه» در «بَصَرَهُ» ترجمه نشده است؛ یعنی این گزینه هم نادرست است. به علاوه، «المرء» در این جمله یعنی «انسان» نه «مرد»، پس گزینه اول پاسخ است.

واژگان و مفاهیم

۱. عین الجملة التي فيها المترادف:
 ۱ إذا ملأ الأراذل هلك الأفاضل.
 ۲ الله خلق الشمس التي فيها ضياء وزان الليل بنور الأنجم.
 ۳ عین المناسبت ليعني الأفعال على التوالي: «إرحم من في الأرض يرحمك من في السماء».
۲. ۱ رحم كرد - رحم می کنی ۲ رحم کن - تا رحم کنی ۳ رحم کرد - به تو رحم کند ۴ رحم کرد - به تو رحم می کند
۳. ۱ انتخاب الصحيح للفرغين على التوالي «لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» أن چه را
 ۱ نگویید - انجام نمی دهند
 ۲ چرا می گوید - انجام نمی دهید
 ۳ چرا می گفتند - انجام نمی دادند
 ۴ چرا می گوید - انجام ندادید
۴. عین الجملة التي فيها المترادف و المتضاد معاً:
 ۱ بعض الكواكب تدور حول الأرض ضياؤها من الشمس.
 ۲ الشكوت ذهب و الكلام فضة.
 ۳ عین العبارة عدد اسم الجمع فيها أكثر:
 ۱ للرجال ملابس ذو الألوان المختلفة.
 ۲ الحمد لله الذي خلق السماوات والأرض وجعل الظلمات والنور.
 ۳ عین الخطأ عن الترادف أو التضاد أو الجمع:
 ۱ رقد = نام / جمع حجر: أحجار
 ۲ التسائي = الرجال / جمع النار: التيران
 ۳ عین الخطأ في ترجمة الكلمات التي تحتها خط:
 ۱ أنظر إلى الشمس التي جذوتها مستعرة: فروزان
 ۲ زانة بأنجم: با ستاره‌ای
۵. ۱ التأس نيام فاذا ماتوا انتبهوا.
 ۲ خلق الله الشحاب والغيم وجعل الظلمات والنور.
۶. ۱ أضع فرشاة الأسنان وبعض الأطعمة والأشربة في الحقيبة السفرية.
 ۲ يكتتب التلاميذ والتلميذات التمارين في الدفاتر.
 ۳ ناجح = راسب / جمع عقربة: عقراب
 ۴ ضياء = نور / ضياء = ظلام
۷. ۱ ذو حكمة بالغة وقدره مقتدر: كامل
 ۲ واجعل لي لسان صدق في الآخرين: ياد نيكو
۸. ۱ نصرة - قاعة - خضرة - جميلة ۲ صدق - أداء الأمانة - عفو - وقار
 ۳ هؤلاء الأعداء: اينان دشمنان اند.
 ۴ هذان الرجلان: اينان دو مرد هستند.
۹. ۱ رأيت في المعرض الملابس النسائية ذات الألوان المتعددة: متضاد: صاحب
 ۲ سوف نكتب أبحاثاً حول التعلم: مفرد: بحث
۱۰. ۱ كيف الحية صارت الشجرة؟: جمعه: حبوب
 ۲ أخذ الموظفين في قاعة المطار: معناه: فرودگاه
 ۳ عین الصحيح في الموضوع:
 ۱ من زرع العدوان حصد الخسران: نتيجة كارها
 ۲ لا تنتظروا إلى كثرة صلاتهم وصومهم ولكن أنظروا إلى صدق الحديث وأداء الأمانة: انجام فرائض دينی
 ۳ واجعل لي لسان صدق في الآخرين: راستگویی
 ۴ إرحم من في الأرض يرحمك من في السماء: توجه به پديده‌های آسمان و زمين
۱۱. ۱ لا تجعلني: مرا قرار نمی دهد ۲ ما جهزنا: ما مجهز نشديم ۳ ما سألتني: از من نپرسیدی ۴ لا تنتظرونا: به ما نگاه نمی کنی
۱۲. عین الخطأ:
 ۱ رخيص = غالي / جمع كوكب: كواكب
 ۲ المرء: الإنسان / يسار = يممين
 ۳ عین الخطأ فيما أشير إليه بخط: «الفسنان من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة»
 ۱ الفسنان: اسم مثنى ۲ متضاد النسائية: الرجالية
 ۳ مترادف ذات: ذو ۴ مفرد ألوان: لون
۱۳. عین الصحيح في التوضيحات:
 ۱ الشمس: من التجوم المضيئة ضياؤه من القمر.
 ۲ الصوم: من الفرائض الدينية يجب على المسلمين في شهر رمضان.
 ۳ عین الخطأ حسب هذه التوضيحات:
 ۱ العلماء مصاييح الأرض: العلماء: جمع المكسّر، مفرد مصاييح: مصباح
 ۲ أكنز خطايا ابن آدم في لسانه: مفرد خطايا: خطيئة، جمع لسان: ألسنة
 ۳ العلم في الصغر كالنقش في الحجر: متضاد الصغر: الكبير، مترادف حجر: عُرف
 ۴ عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل: في هذه الجملة متضادان
۱۴. ۱ ممنوع: غير مسموح / مفرد أحجار: حجر
 ۲ بالغ = ناقص / جمع أراذل: أراذل
 ۳ مترادف ذات: ذو ۴ مفرد ألوان: لون
۱۵. ۱ أخضر: لون الأشجار في كل الفصول.
 ۲ الغيم: بخار متراكم في السماء ينزل منه الثلج فقط.
۱۶. عین الخطأ حسب هذه التوضيحات:
 ۱ العلماء مصاييح الأرض: العلماء: جمع المكسّر، مفرد مصاييح: مصباح
 ۲ أكنز خطايا ابن آدم في لسانه: مفرد خطايا: خطيئة، جمع لسان: ألسنة
 ۳ العلم في الصغر كالنقش في الحجر: متضاد الصغر: الكبير، مترادف حجر: عُرف
 ۴ عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل: في هذه الجملة متضادان

۶۵. عین الخطأ في إعلان الساعة:
- ۱ ۶:۲۰ (السادسة و عشر دقائق) ۲ ۷:۴۰ (الثامنة إلا عشرين دقيقة) ۳ ۱۱:۱۵ (الحادية عشرة و ربعا) ۴ ۴:۳۰ (الرابعة و التصف)
۶۶. عین الصّحيح في تعيين نوع الأفعال:
- ۱ الله حَلَقَنَا مِن تُرَابٍ ماضى، اول شخص جمع
۲ نَمَتْ الأشجارُ من حَيَّةٍ ماضى، مفرد مؤنث
۳ عین العبارة فيها «ما» دل على التّفي:
۶۷. ۱ إني أعلم ما لا تعلمون.
۲ ما قرأت هذا الموضوع في كتاب.
۶۸. في أيّ عبارة يُوجد فعلٌ يُعادلُ الماضي الاستمراريّ:
- ۱ قد أوجَدَ اللهُ السَّمْسَ في الجوّ مثل السّررة.
۲ من ذا الَّذي يُخْرِجُ مِنَ السَّجَرَةِ هَذِهِ الثَّمَرَةَ.
۳ عین نوع «لا» يختلف عن الباقي:
۶۹. ۱ قول «لا أعلم» نصف العلم. ۲ ربّنا لا تَجْعَلْنَا مع القوم الظّالمين.
۳ لا أسافرُ إلى إيران أبداً. ۴ هل هنّ لا يَعْمَلْنَ لأخرتهنّ.
۷۰. عین العبارة التي تختلف «ما» عن الباقي:
- ۱ أنظرُ إلى ما قال و لا تنظرُ إلى من قال.
۲ ربّنا ما خلقت هذا باطلاً.
۳ في أيّ عبارة تُناسبُ الأفعال:
۷۱. ۱ الأُمّ لا ترجعين إلى البيت.
۲ هؤلاء المدرّسون يدرسون في الصّف.
۳ عین الخطأ عن الإسم الإشارة:
۷۲. ۱ اشتريتُ تلك البطارية.
۲ اولئك المسلماتُ يعملن بواجباتهنّ الدّينية.
۳ عین الخطأ عن التّوضيحات:
۷۳. ۱ ارجعوا إلى ربّكم راضيةً مرضيةً: ارجعوا: فعلٌ للأمر جمع مذكّر
۲ هؤلاء الفائزاتُ يُمارسن في الملعب: هؤلاء: اسم الإشارة جمع للمذكّر و المؤنث
۳ أطلبن العلم و لا تكسلن: تكسلن: المضارع المنفي
۴ أرسُم عقارب الساعات: عقارب: جمع المكسّر، الساعات: جمع مؤنث
۷۴. أيّ عبارة ليس فيها التّركيب الوصفيّ:
- ۱ أنعم اللهُ المُنهمرةً في الأرض و السّماء.
۲ زانه بأنجم كالذّرر المُنشرة.
۳ كم فعلاً للأمر يُوجد في هذه العبارة: أنظرُ إلى الطّبيعة فابحثْ جمالها و قلْ من ذا الَّذي أوجَدَ هذه الظّواهر.
۷۵. ۱ واحد ۲ اثنان ۳ ثلاثة ۴ أربعة
۷۶. عین ما ليس فيه المضارع:
- ۱ لا أقرأ هذا الكتاب في الأسبوع القادم.
۲ لا أعبُدُ ما تعبدون.
۳ عین الفعل لا يختلف عن الباقي:
۷۷. ۱ لا تياسوا من رحمة الله.
۲ لا أسافرُ إلى البلاد الأخرى إلا مع والدي.

ترجمه

مراحل پاسخگویی به سؤال‌های ترجمه را به یاد داشته باشید:

۱- یافتن موارد کلیدی / ۲- ردّ گزینه‌ها براساس موارد کلیدی (حداقل ۲ گزینه) / ۳- مقایسه گزینه‌های باقی‌مانده با صورت سؤال

ترجمه‌ها تک عبارتی:

۷۸. عین الأصحّ و الأدقّ في التّرجمة للأسئلة التّالية:
- «كان المعلمُ لَمْ نفسه و غيّر طريقةً تدريسه.»
- ۱ معلم خودش را سرزنش می‌کرد و روش تدریس خود را تغییر داد.
۲ معلم خودش را سلامت کرده بود و روش تدریس او تغییر کرد.
۳ «كانت أمُّ صديقتنا العزيزة راقدةً في هذا المستشفى الكبير.»
۷۹. ۱ مادر دوست عزیز ما در این بیمارستان بزرگ بستری می‌شد.
۲ مادر عزیز دوست ما در این بیمارستان بزرگ بستری است.
۳ معلم خودش را سرزنش کرده بود و روش تدریس خود را تغییر داده بود.
۴ معلم نفسش را سرزنش کرده و روش را در تدریس تغییر داده بود.
- ۱ مادر عزیز دوست ما در این بیمارستان بزرگ بستری می‌شد.
۲ مادر عزیز دوستمان در این بیمارستان بزرگ بستری است.

جمع بندی ترجمه



اسم اشاره

هذان، هذین، هاتان، و هاتین به معنای «این دو» هستند ولی ترجمه آن‌ها به صورت «این‌ها» نیز صحیح است. در ترجمه جمله‌هایی که دارای اسم اشاره هستند به اسم پس از اسم اشاره توجه کنید:
الف) اگر این اسم، «ال» دارد نباید بین اسم اشاره و اسم پس از آن مکث کنید. **مثل:** (هذا الكتاب مفید) این کتاب، مفید است.)
ب) و در این صورت اسم اشاره همیشه به صورت مفرد ترجمه می‌شود حتی اگر اسم پس از آن جمع باشد. **مثل:** (هؤلاء التلامیذ مجتهدون؛ این دانش‌آموزان کوشا هستند.)
پ) اگر این اسم، «ال» ندارد، باید بین اسم اشاره و اسم پس از آن مکث کنید. **مثل:** (هذا کتاب مفید) این کتاب مفیدی است.)

جنس و تعداد اسم‌ها

به تعداد، در اسم‌ها توجه کنید. اگر اسمی در عربی به همراه «ان» یا «تین» باشد آن را به صورت مثنی و اگر به همراه «ون» یا «ین» باشد آن را به صورت جمع ترجمه کنید. (لازم به ذکر است که ترجمه اسم‌های مثنی به صورت جمع نیز می‌تواند قابل قبول باشد).
گاهی مفرد یا جمع بودن کلمه در عربی و فارسی هماهنگ نیست، در این رابطه به موارد زیر توجه کنید:
۱- در عربی، برای جمع‌های غیرانسان، فعل، ضمیر، اسم اشاره و سایر موارد مربوط به آن‌ها به صورت مفرد مونث ذکر می‌شود ولی در فارسی این موارد می‌تواند به صورت جمع ترجمه شود: (هذه كتب) اینها کتاب هستند.)
۲- اگر فاعل جمله، اسمی باشد که پس از فعل ذکر شده است، در عربی، فعل به صورت مفرد می‌آید حتی اگر فاعل جمع باشد ولی در فارسی فعل هماهنگ با فاعل ترجمه می‌شود: (ذهب التلامیذ؛ دانش‌آموزان رفتند.)

کلمات پرسشی

دانستن معنای کلمات پرسشی ضروری است.
«هو» و «هی» در جملاتی که با «من هو» یا «من هی» آغاز شوند، ترجمه نمی‌شوند. **مثل:** «من هو أستاذنا؟؛ استاد ما کیست؟»
به انواع «ما» در ترجمه توجه کنید:
مای استفهام (مخفف «ماذا»): **مثل:** «ما ذلک الشیء؟ آن شیء چیست؟»
ما + فعل ماضی ⇨ ماضی منفی: **مثل:** «مأذھبت إلى البیت؛ به خانه نرفتی.»

بیان مالکیت

عند + اسم ⇨ عندی بیت جمیل؛ من خانه زیبایی دارم.
لی + اسم ⇨ لصدیقی بیت جمیل؛ دوستم خانه زیبایی دارد.
لک بیت جمیل؛ تو خانه زیبایی داری.



لی + اسم، گاهی معادل «مالی» «برای» ترجمه می‌شود. **مثل:** «البیت الجمیل لی؛ خانه زیبا مال من است.»



این موارد معادل «باید» ترجمه می‌شود:
علی + اسم (اسم می‌تواند ضمیر هم باشد)
علیک بالتواضع؛ تو باید فروتن باشی.
علی المؤمن بالتواضع؛ مؤمن باید فروتن باشد.
یجب + آن + فعل مضارع ⇨ یجب أن یتذهب التلمیذ إلى المدرسة؛ دانش‌آموز باید به مدرسه برود.
لی + فعل مضارع ⇨ لیذهب صدیقی إلى بیتی؛ دوستم باید به خانه‌اش برود.

ترجمه انواع فعل





آزمون جامع كل عربى يازدهم

عربى
عمومى
۱۱۹۱۰

آزمون جامع

عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

۱۶۷۳. «كَانَتْ شَمْسُ الصَّحْرَاءِ مُحْرَقَةً جَدًّا وَ النَّاسُ يُوَاصِلُونَ طَرِيقَهُمْ فِيهَا بِصَعُوبَةٍ»

- ۱ خورشید در صحرا جدًّا می سوزاند و باعث می شود مردم راهشان را با سختی بپیمایند!
- ۲ در صحرا خورشید جدًّا داغ می کند و مردم راهشان را با سختی زیاد طی می کنند!
- ۳ در صحرا آفتاب واقعاً سوزان است و مردم راه خود را در آن سخت می پیمایند!
- ۴ آفتاب صحرا واقعاً سوزان بود و مردم در آن به سختی راهشان را ادامه می دادند!

(سراسرى ریاضی ۸۵)

۱۶۷۴. «بَقِينَا أَسْبُوعِينَ كَامِلِينَ فِي الْغَابَةِ لِنُفِّثَ عَنْ آثَارِ الْحَيَوَانَاتِ النَّادِرَةِ»:

- ۱ کاملاً دو هفته در جنگلها برای یافتن آثار حیوانات نادر بسر بردیم.
- ۲ ما دو هفته کامل در جنگل گذراندیم تا آثار نادر حیوانات را دنبال کنیم.
- ۳ دو هفته کامل در جنگل باقی ماندیم تا به دنبال آثار جانوران کمیاب بگردیم.
- ۴ دو هفته در جنگل کاملاً بسر بردیم تا رد پای جانوران نایاب را جستجو کنیم.

(سراسرى زبان ۸۶)

۱۶۷۵. «كُنْتُ أَحْسَنَ أَنْ الْحَيَاةِ سَوْفَ تَمُرُّ بِي بِصُعُوبَةٍ كَثِيرَةٍ مَعَ فَقْدَانِهِ!»:

- ۱ حس کرده بودم زندگی با عدم وجود او بر من خیلی سخت می گذرد!
- ۲ حس می کردم با فقدان او زندگی جدًّا با من به دشواری روبهرو خواهد شد!
- ۳ احساسم این بود که زندگی بر من بسیار دشوار سپری خواهد شد با نبود او!
- ۴ احساس می کردم که با از دست دادن او زندگی بسیار سخت بر من خواهد گذشت!

(سراسرى تهرى ۹۳)

۱۶۷۶. «إِنَّ تَشَاهِدَ الْمَكَانَةِ الرَّفِيعَةَ لِلْعُلَمَاءِ تَعَزَمُ عَلَى تَعَلُّمِ الْعُلُومِ وَ التَّقَدُّمِ فِيهَا»:

- ۱ موقعی که مقامی بلند را برای عالمان دریافتی، قصد یادگیری علوم پیشروی در آنها را خواهی کرد!
- ۲ اگر جایگاه بلند دانشمندان را مشاهده کنی، نسبت به یادگیری علوم و پیشرفت در آنها تصمیم می گیری!
- ۳ هنگامی که مقام شامخ اندیشمندان را دیدی، بر فراگیری دانشها و پیشرفت در آنها عزم و همت بنمای!
- ۴ در صورتی که موقعیت والای بزرگان را مشاهده کردی، در فرا گرفتن علم و پیشرفت در آن اراده کن!

(سراسرى زبان ۸۴)

۱۶۷۷. كَانُ إِرْضَاءِ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لِاتِّدْرِكِ مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- ۱ العاقلُ مَنْ يَعْتَبِرُ بِالتَّجَارِبِ.
- ۲ أترک الحرصَ تَعِيشَ فِي رَاحَةٍ.
- ۳ التَّائِبُ لَا يَحْتَوِنَ الرِّضَاءَ عَنِ نَفْسِهِ.
- ۴ لَا نَطْلُبُ الْحَصُولَ عَلَى رِضَى كُلِّ الْأَفْرَادِ.

(ریاضی ۸۳)



۲۲۳

۱۶۷۸. عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ تَرْجِمَةِ الْأَفْعَالِ:

- ۱ لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ: ائِدْوهگین نشو
- ۲ أَقْلَمُ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ نَگاه نکردند
- ۳ تَسْتَطِيعِينَ أَنْ تَسْخَتِي رَصِيدَ جَوَالِكِ: که شارژ کنی
- ۴ لِأُبْدِلَ لَكَ الْبَطَاقَةَ: باید عوض کنم

(سراسرى زبان ۹۰)

۱۶۷۹. عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱ وَاجِهَ حَقَائِقَ الْمُرَّةِ بِالتَّفَاؤُلِ! با حقیقتهای تلخ زندگی با خوش بینی روبهرو شو!
- ۲ اِبْتَعَدَ عَنِ دَاعٍ يَدْعُوكَ إِلَى الشَّرِّ: از دعوت کنندهای که تو را به بدی فرا می خواند، دوری کن!
- ۳ الْمَكَارَ مِنْ يَظُنُّ أَنَّ الْمَكْرَ مَفْتَاحَ أَرْزَاقِهِ! حيله گر کسی است که روزی اش را فقط در مکر می یابد!
- ۴ لِيُظَهَّرَ مِنَ الشَّيْئَاتِ فَمُ تَخْرُجُ مِنْهُ آيَاتُ الْقُرْآنِ: دهانی که از آن آیات قرآن خارج می شود باید از پلیدی ها پاک شود!

۱۶۸۰. عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبِ الْوَاقِعِ:

- ۱ يُؤَكِّدُ الْإِسْلَامَ عَلَى التَّعَلُّمِ وَ التَّفَكُّرِ.
- ۲ الصَّدِيقُ الْأَحْمَقُ صَرُرَهُ أَكْثَرُ مِنْ نَفْعِهِ.
- ۳ مَا تَعَلَّمَ الْإِنْسَانُ فِي الطُّفُولَةِ يُؤَثِّرُ فِي أَعْمَالِهِ فِي الْكِبَرِ.
- ۴ اقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْسَابُ النَّصِّ:

من مميزات (صفات) اللغة الاهتمام بالعلامات و الإعراب. فمن لم يهتمّ بهما ضلّ في الاستنباط الصحيح من النص. و الميزة الأخرى هي أنّ المتكلم على حسب المعنى الذي يقصده يستطيع أن ينتخب مكان المفردات و نوعها في الجملة. فعلى سبيل المثال في الجملة: «زيد ذاهب» نستطيع أن نقول: «زيد يذهب» أو ... فكلّ جملة لها معناها يختلف عن أحوالها. الأمر الآخر هو موضوع موسيقى الكلمات، فالعربيّ الفصيح لا تعجبه الكلمات التي هي ثقيلة على اللسان و الأذن، فيبحث عن قوالب مناسبة لصياغة ما يعجبه!

(سراسرى زبان ۸۷)

۱۶۸۱. عَيْنِ الصَّحِيحِ مِنْ مِيزَاتِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ هِيَ الْإِهْتِمَامُ بِ.....

- ۱ العلامات و الإعراب و الموسيقى و النحو.
- ۲ العلامات و الإعراب و المعنى و الموسيقى.
- ۳ الموسيقى و النحو و المعنى و مكان المفردات.
- ۴ علائم الحروف و النحو و الموسيقى و مكان الكلمات.

(سراسرى زبان ۸۷)

۱۶۸۲. عَيْنِ الْخَطَأِ: فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

- ۱ تُدْرِكُ الْمَعْنَى الدَّقِيقَ بِدُونِ تَعَلُّمِ قَوَاعِدِ النُّحُو.
- ۲ كَيْفِيَّةُ أَدَاءِ الْكَلِمَاتِ وَ الْإِهْتِمَامُ بِالْعَلَامَاتِ أَمْرٌ مَهْمٌ.
- ۳ هُنَاكَ مَفْرَدَاتٌ رُبَّمَا يَنْتَلِظُهَا الْعَرَبِيُّ وَ يَجْتَنِبُهَا الْفَصِيحُ.
- ۴ إِضَافَةٌ إِلَى فَهْمِ الْمَفْرَدَاتِ وَ النُّحُو، نَحْتَاجُ إِلَى فَهْمِ مَوْسِيقِي الْكَلِمَاتِ.

(سراسرى زبان ۸۷)

۱۶۸۳. عَيْنِ الصَّحِيحِ: يَغْيِرُ الْمُتَكَلِّمُ مَكَانَ الْمَفْرَدَاتِ

- ۱ لِلتَّغْيِيرِ فِي مَوْسِيقِي الْجُمْلَةِ.
- ۲ لِلْحَصُولِ عَلَى مَعْنَى وَ مَفْهُومٍ جَدِيدٍ.
- ۳ لِلإِهْتِمَامِ بِالْإِعْرَابِ وَ الْعَلَامِ.
- ۴ لِلاجْتِنَابِ عَمَّا هُوَ ثَقِيلٌ عَلَى اللِّسَانِ.

۱. گزینه ۳ ضیاء و نور؛ مترادف/ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. آرادل (فرومایگان) و أفضل (بزرگان); متضاد ۲. زرع (کاشت) و حصد (دروگرد); متضاد ۴. بدون مترادف و متضاد
۲. گزینه ۳ ارحم (رحم کن); فعل امر / رحیمک (به تو رحم کند)
۳. گزینه ۲ تقولون; فعل مضارع / لا تفعلون; مضارع منفی
۴. گزینه ۴ السحاب و الغیم مترادفند و الظلمات و التور متضاد
۵. گزینه ۴ جمع‌ها: التلامذ، التلمیذات، التمارین، الذقائر در سایر گزینه‌ها: ۱. الرجال، ملابس، ألوان ۲. أسنان، أطعمة، أشربة ۳. السماوات، الظلمات
۶. گزینه ۲ جمع عقربة: عقارب
۷. گزینه ۳ أنجم: ستارگان
۸. گزینه ۴ صدق (راستگویی)، أداء الأمانة (امانتداری)، عفو (بخشش)، وقار (مناقت)، همه صفات نیک اخلاقی هستند. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. کوبک (سپاره) و قمر (ماه) و شمس (خورشید) با هم متناسب‌اند، ولی لون (رنگ) تناسبی با آن‌ها ندارد. ۲. أوجد (به وجود آورد)، زان (زینت داد)، أخرج (خارج کرد) فعل هستند، ولی أنعم (نعمت‌ها) اسم است. ۳. نصره (سرسبز)، خضرة (سبز)، جمیلة (زیبا) صفاتی هستند که برای طبیعت و درخت به کار می‌روند؛ پس قاعة (سالن) نامتناسب است.
۹. گزینه ۱ معنی سایر گزینه‌ها: ۲. این دشمنان ۳. آن‌ها دانش آموز هستند. ۴. این دو مرد
۱۰. گزینه ۲ ذات و صاحب هر دو به معنی «دارنده» هستند و تا حدودی مترادفند نه متضاد.
۱۱. گزینه ۱ سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن موضوع به درستی بیان شده است. / تحلیل: ابتدا به معنی گزینه‌ها دقت کنید: ۱. «هر کس دشمنی کاشت، زیان درو کرد.» پس این گزینه درباره «نتیجه یک کار است» است. ۲. «به زیادی نماز و روزه‌شان نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانت‌داری‌شان بنگرید.» پس این گزینه درباره «برتری صداقت و امانتداری بر انجام فرایض دینی» است. ۳. «برای من یادی نیکو در آیدگاه قرار بده.» پس این گزینه درباره «برجای گذاشتن یاد خوب پس از مرگ» است. ۴. «به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.» پس این جمله درباره «بخشش دیگران» است. به این ترتیب، فقط در گزینه ۱ موضوع درست بیان شده است.
۱۲. گزینه ۳ لاتجعل: فعل امر است، لاتجعلنی: مرا قرار نده / ماچهرنا: فعل ماضی منفی به معنی «مجهز نکردیم» / لاتنظر: فعل نهی، لاتنظرنا: به ما نگاه نکن.
۱۳. گزینه ۴ ارذل مفرد است و جمع آن ارذال است.
۱۴. گزینه ۱ الفستان مفرد است نه مثنی (علامت مثنی «ان») است.
۱۵. گزینه ۳ روزه: از واجبات دینی که در ماه رمضان بر مسلمان واجب می‌شود. / بررسی گزینه‌های نادرست: ۱. خورشید: از ستارگان درخشان که نور آن از ماه است. (نور ماه از خورشید است نه این که نور خورشید از ماه باشد) ۲. أخضر: رنگ درختان در همه فصول است. (همه درختان در همه فصول لزوماً سبز نیست) ۴. ابر: بخاری متراکم در آسمان که فقط برف از آن می‌بارد. (از ابر هم باران می‌بارد هم برف و هم تگرگ)
۱۶. گزینه ۳ غرغ مترادف حجرة است نه مترادف خجر «سنگ»
۱۷. گزینه ۲ هرگاه اسم بعد از اسم اشاره «ال» داشته باشد، اسم اشاره به شکل مفرد معنی می‌شود و در ضمن اسم اشاره همراه با اسم «ال دار» بعد از خود یک عبارتند نه جمله و اگر اسم بعد از اسم اشاره «ال» نداشته باشد، اسم اشاره به شکلی که هست معنی می‌شود و در ضمن اسم اشاره همراه با اسم «بدون ال» یک جمله‌اند. / ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها: ۱. آن باطری ارزشمندی است. ۲. این دوستان شایسته ۴. آن کارمندان تلاشگرند.
۱۸. گزینه ۴ اطفال جمع انسان است و اسم اشاره مناسب: هؤلاء، اولئک / أشجار جمع غیر انسان و اسم اشاره مناسب: هذه، تلك / حجة مؤثت، اسم اشاره مناسب آن: هذه، تلك
۱۹. گزینه ۱ اسم جمع: المسلمین / بررسی سایر گزینه‌ها: ۲. أنجم، کواكب ۳. الملابس، ألوان ۴. أشجار، أنجم
۲۰. گزینه ۲ سؤال: کجا رفتی؟ پاسخ آن: «من ایرانیم» نادرست است.
۲۱. گزینه ۴ معنی عبارت: هر کس دشمنی به کارد زیان درو می‌کند. مفهوم این عبارت با همه گزینه‌ها جز گزینه ۴ هماهنگ است.
۲۲. گزینه ۱ «ای کسانی که ایمان آوردید چرا آن‌چه را انجام نمی‌دهید، می‌گویید.» این عبارت با موضوع هماهنگی حرف و عمل هماهنگ است. بررسی گزینه‌هایی که با موضوع هماهنگی ندارند. ۲. به آن‌چه گفت بنگر و به آن کس که می‌گوید نگاه نکن. (توجه به گفتار است نه گوینده) ۳. دانش را بجوید اگر چه در چین باشد. (اهمیت علم آموزی حتی اگر در دوردست باشد) ۴. برای دنیای زندگی کن گویا در آن همیشه زندگی می‌کند و برای آخرت زندگی کن گویا فردا می‌میری (باید هم به امور دنیوی پرداخت و هم امور اخروی)

۲۳. گزینه ۳ ترجمه عبارت: هر کس دشمنی به کارد زیان درو می‌کند. / ترجمه سایر گزینه‌ها: ۱. هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند، می‌یابد. ۲. بدان که پیروزی با صبر است. ۴. شرف انسان به علم و ادب است نه به اصل و نسب.

۲۴. گزینه ۴ معنی عبارت: جهانگردی وجود ندارد که تاکنون به ایران مسافرت نکرده باشد. / ترجمه گزینه‌های نادرست: ۱. ستارگان را در روز به دلیل نور خورشید نمی‌بینیم. ۲. بعضی از درختان میوه‌هایی دارند که بشر از آن‌ها استفاده می‌کند. ۳. راستگویی و امانتداری از نشانه‌های مؤمن است.

ترجمه عبارت: وقتی به سالن فرودگاه رسیدم به سمت یکی از کارمندان رفتم پس او به من کمک کرد که آن‌چه از من خواسته شده، در برگه‌ای بنویسم.

۲۵. گزینه ۲ معانی سایر گزینه‌ها: به ترتیب: زیارت کننده / کشور / چین

۲۶. گزینه ۴ معانی سایر گزینه‌ها: به ترتیب: کارمندان / مسافرها / زیارت کنندگان

۲۷. گزینه ۱ معانی سایر گزینه‌ها: به ترتیب: از من پرسید / به من نگاه کرد / اندیشید.

معنی متن: «اجسام بعد از هر زمان معینی به نو شدن نیاز دارند، پس در این هنگام، ذراتی از آن که شایسته باقی‌ماندن نیستند می‌میرند و به جای آن چیزی غیر از آن، که قابل زندگی است، رشد می‌کند و اگر این نو شدن نباشد، امکان ندارد که ما بیش از ده سال زنده بمانیم. صاحب باغ، با توجه و اشرافش بر درختان و گیاهان، زمانی که زمین را آبیاری می‌کند و خاک را از حشرات مضرّ و گیاهان فاسد پاک می‌کند، باعث می‌شود که روح نو شدن و زندگی در باغش جریان یابد؛ این توجه و اشراف، بعد از زمانی، ثمرش را هنگام رسیدن میوه‌ها می‌دهد. ملت همان باغ زندگی است و راهنمایانش همان کشاورزان و صاحبان باغ‌ها هستند. پس اگر اخلاقیات را تهذیب نکنند و آن‌چه را فاسد می‌کند پاک نکنند، عاقبت ملت نابودی و زیان و سستی و شکست است. این توجه به محسوسات اختصاص ندارد، بلکه معقولات و معنویات نیز به روح جدیدی نیاز دارند، پس نو شدن همان راز زندگی است.»

۲۸. گزینه ۳ سؤال: چرا احتیاج داریم که روح جدیدی را در خود داخل کنیم؟ ۱. «تا پیشرفت کنیم»، ۲. «تا باقی بمانیم»، ۳. «تا راز زندگی را جمع کنیم»، ۴. «تا خودمان را پاک کنیم». مفهوم گزینه ۳ در متن وجود ندارد، ولی سایر مفاهیم در متن هست، پس گزینه ۳ پاسخ سؤال است.

۲۹. گزینه ۱ سؤال: صحیح را تعیین کن. ۱. «مرگ آغاز می‌شود، هنگامی که تجدیدپذیری متوقف شود.» این مفهوم در متن وجود دارد. ۲. «تلاش برای نو شدن نتیجه‌اش را در خود وقت می‌دهد.» چنین مفهومی در متن نیست. ۳. «امکانات قیمتی در زندگی از اسباب نو شدن است.» در متن هیچ صحبتی از امکانات نشده است. ۴. «نتایج نو شدن فقط در ظواهر جوامع مشاهده می‌شود.» خیر متن گفته است که در مادیات و معنویات این نو شدن وجود دارد، پس پاسخ صحیح گزینه ۱ است.

۳۰. گزینه ۴ سؤال: مقصود از این که تجدیدپذیری همان راز زندگی است چیست؟ ۱. «آن امر بی‌پنده‌ای است که نمی‌توانیم کشفش کنیم.» چنین مفهومی در متن وجود ندارد. ۲. «به دلیل اهمیتش به صورت راز درآمده است تا جایگاه آن بالا برود.» چنین دلیلی هم از متن برداشت نمی‌شود. ۳. «زندگی برتر زندگی جدید است و جز آن پست است.» در متن زندگی نو و کهنه ارزش گذاری نشده است. ۴. «وظیفه انسان پس‌زدن حجاب آن و رسیدن به آن است.» چنین مفهومی را می‌توان از متن برداشت کرد. یعنی نو شدن چون رازی پوشیده است و انسان باید آن را کشف کند، پس پاسخ گزینه ۴ است.

۳۱. گزینه ۲ سؤال: مقصود از تجدّد چیست؟ براساس متن، مقصود از تجدّد حرکت رو به جلو و رفع موانع است. این مفهوم در گزینه ۲ وجود دارد. / معنی سایر گزینه‌ها: ۱. «پاک کردن خاک از حشرات زیان‌رسان و گیاهان فاسد.» این مفهوم تجدّد نیست؛ براساس متن، این کاری است که باغبان در باغش انجام می‌دهد. ۲. «حرکت پی‌درپی به سمت جلو و رفع موانع از مسیر حرکت است.» این دقیقاً منظور متن از تجدّد است. ۳. «تلاش برای بیرون کردن افراد تنبل از جامعه و وارد کردن افراد تلاش‌گر در آن است.» براساس متن، تجدّد چنین مفهومی ندارد. ۴. «تغییر سبک زندگی از شیوه پیشینیان و گذشته به شیوه آیندگان.» تجدّد می‌تواند چنین مفهومی داشته باشد، ولی در متن اشاره مستقیم یا غیرمستقیمی به تغییر سبک زندگی وجود ندارد، پس پاسخ همان گزینه ۲ است.

معنی متن: «گروهی از بازرگانان در مجلس امیری وارد شدند. جوانی باهوش به جانشینی از سوی مردم خودش شروع به صحبت نمود. امیر به او اشاره کرد و گفت: آیا در این مجلس بزرگتر از تو نیست؟ در این هنگام جوان بسیار دانا با شهامت گفت: ای امیر، ارزش انسان به خرد و زبان اوست. هنگامی که خداوند به انسان خردی کامل و زبانی شیوا روزی داد پس دو فضیلت دارد. اگر ارزش انسان به سن او باشد حتماً در این مجلس کسی هست که از شما در حکومت شایسته تر است. در این هنگام امیر ساکت شد و از پاسخ جوان کم سن ناتوان شد.»

۳۲. گزینه ۴ طبق متن جوان، نظر حاکم را در مورد کم سنی اش نپذیرفت و به حرف او اعتراض کرد. / ترجمه گزینه‌های نادرست: ۱. بازرگانان به جوان کوچک اعتراض کردند زیرا جوان بود. (امیر اعتراض کرد نه بازرگانان) ۲. در مجلس بزرگتر از جوان نبود. ۳. امیر از پاسخ جوان ناراحت شد زیرا جوان بود.

۹۵۸. گزینه ۴ کلمات کلیدی: أصابك: به تو رسید / عزم الأمر: کارهای مهم / لا تُصعَّر: برنگردان (نهی) / لامتنی: راه نرو (نهی) / بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. عزم الأمر: کارهای مهم / ضمیر (ک) در خَدَّك معنی نشده است / ۲. أصابك: به تو رسید / لا تُصعَّر: برنگردان (نهی) / لامتنی: راه نرو (نهی) / ۳. عزم الأمر: کارهای مهم / لا تُصعَّر: برنگردان (نهی)

۹۵۹. گزینه ۱ کلمات کلیدی: قد نُقَوِّم بتسمیة: گاهی به نام گذاری ... می‌پردازیم، اقدام می‌کنیم (قد + مضارع: گاهی، شاید، ممکن است) / یُکْرَهُونَ: ناپسند می‌شمارند / القاب: القابی، عناوینی / بنس: چه بد است / العمل القبیح: کار زشت (ترکیب وصفی است) / **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۲. ترجمه نشدن قَد / اقدام کرده‌ایم: «اقدام می‌کنیم» درست است! / «زشت شمرده می‌شوند»: «زشت می‌دانند آن را» / اَوْلَا فعل معلوم است نه مجهول، ثانیاً ضمیر «ها» ترجمه نشده است! / ۳. ترجمه نشدن تسمیة / «می‌دهیم»: «به ... می‌پردازیم، اقدام می‌کنیم» درست است! / «این کار» و «بسیار زشت»: «بد است این کار زشت» / ۴. ترجمه نشدن «قد» / ترجمه نشدن تسمیة / «صدای می‌کنیم»: «به ... می‌پردازیم، اقدام می‌کنیم» درست است / «بد و زشت»: «چه بد است» / «این کار»: «این کار زشت».

۹۶۰. گزینه ۴ کلمات کلیدی: التیوم: امروز / فی السُّوق: در بازار / یابغ المَلایس: فروشنده لباس (البته لباس فروش) و «فروشنده لباس‌ها» هم درست است، اما ترجمه بهتر همان «فروشنده لباس» است! / أَسعار: قیمت‌ها، نرخ‌ها (جمع سِغَر) / مَتَجَّر: مغازه، فروشگاه / أَطْلُبُ: می‌خواهم / أَنْ تُعْطِنَا: که به ما بدهی / التَّخْفِیضُ: تخفیف. / **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱. «می‌خواهیم» (أَطْلُبُ به معنی «می‌خواهم» است نه «می‌خواهیم») / ۲. «در لباس فروشی» (معادلی در عبارت عربی ندارد) / ضمیر «نا» در تعینا ترجمه نشده است. / ۳. «قیمت» (أَسعار) جمع است. / «می‌خواهیم»: «می‌خواهم»

۹۶۱. گزینه ۴ کلمات کلیدی: أَرَأَيْتَ: آیا دیده‌ای / أَشْجَعُ مِنْ: شجاع‌تر از، دلیرتر از (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۳) / هَوْلَةُ الشَّبابِ الْمُجْتَهِدِينَ: این جوانان کوشا، تلاشگر / یَقْفُونَ: ایستادگی می‌کنند، مقاومت می‌کنند (رَدّ گزینه ۲) / أَمَامَ: مقابل، فرا روی / أَعْظَمُ مَشَاكِلِ حَیَاتِهِمْ: بزرگ‌ترین مشکلات زندگیشان (رَدّ گزینه ۳) / بالسَّعَى وَالْمُقَاوَمَةِ: با سعی و مقاومت (ایستادگی) / **کلمه درسی:** اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِن» بیاید، آن را به صورت صفت برتر فارسی (صفت + تر) ترجمه می‌کنیم: أَفْضَلُ النَّاسِ: برترین مردم، أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ: بزرگ‌ترین عبادت، ...

۹۶۲. گزینه ۲ کلمات کلیدی: قَدْ عَلَّمَ: یاد داده است، آموزش داده است (قد + فعل ماضی: ماضی نقلی) / أَمَّهُ أُمُورَ الْأَخْلَاقِ: مهم‌ترین امور اخلاقی را / حَیَاةَ الْیَوْمِیَّةِ: زندگی روزانه‌اش / **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱. «کارهای مهم اخلاقی» (أَمَّهُ اسم تفضیل است و «مهم‌ترین امور (کارهای) اخلاقی» درست است) / ۳. «اخلاق (اخلاقی)» درست است. / «آموزش می‌دهد» / «آموزش داده است» / ۴. «در زندگی روزانه» (ضمیر ترجمه نشده است)

۹۶۳. گزینه ۱ نکات کلیدی: نوع و زمان فعل، فعل معلوم، اسم تفضیل / بررسی گزینه‌های نادرست: در گزینه ۲، «خِیْرٌ إِخْوَانِکُمْ» یعنی «بهترین برادران شما»، پس «برادران بهتر شما» نادرست است. در گزینه ۳، «أَتَمَّ مَعْلُومٍ وَأَوَّلُ شَخْصٍ مَفْرُودٍ» نه مجهول، پس «کامل شود» نادرست است. در گزینه ۴، «یَکْرَهُانَ سَوْمَ شَخْصٍ» است که به صورت دوم شخص ترجمه شده است.

۹۶۴. گزینه ۳ کلمات کلیدی: قَدْ تَضَرَّنَا: گاهی ضرر می‌رساند. (هرگاه حرف «قَدْ» همراه فعل مضارع بیاید به معنای «شاید، گاهی، ممکن است» می‌باشد) / آمالنا الکثیرة: آرزوهای زیادمان، قَدْ تَضَرَّنَا آمالنا الکثیرة: «گاهی آرزوهای زیادمان به ما ضرر می‌رساند» / **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱. کِبَارُ الدُّنُوبِ: یعنی «گناهان کبیره» نه «بزرگ‌ترین گناهان»! «کِبَارُ جمع کلمه کبیره است، جمع أَکْبَرُ می‌شود آکابر» / ۲. قَرِيبٌ عَنِ «نزدیک» و ترجمه شدن آن به صورت «نزدیک‌تر» نادرست است، چرا که اسم تفضیل نیست، أَقْرَبُ یعنی «نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین» / ۴. تُحَسِّنُ فعل مضارع است و ترجمه شدن آن به صورت «نیکو گردانیدی» نادرست است و باید به صورت «نیکو می‌گردانی» ترجمه شود.

۹۶۵. گزینه ۴ نکات کلیدی: خِیْرٌ: بهترین برادران / «مِنَ»: کسی است که / أَهْدَى: هدیه کند / عِیُوبِنَا الْأَخْلَاقِ: عیب‌های اخلاقی‌مان. / **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱. فعل تَقَرَّرَ مجهول است، لذا «می‌خوانند» نادرست است و «خوانده می‌شود» درست است. هم‌چنین «آن را» اضافی است و معادل عربی ندارد. / **ترجمه صحیح عبارت:** «این سوره که بسیار خوانده می‌شود، به سوره اخلاق نام‌گذاری شده است.» / ۲. عبارت عَلَّمَ النَّاسَ مَن به معنای «داناترین مردم کسی است که» که به اشتباه به صورت «کسی که ... داناترین مردم است.» ترجمه شده است. / ۳. كُنَّا تَکْرَهُ ماضی استمراری است و «ناپسند می‌شماریم» نادرست است. درست آن «ناپسند می‌شمرديم» است.

۹۶۶. گزینه ۱ کلمات کلیدی: شَمِيعٌ: شنیدم / هَذَا الْعَامَ: امسال / حَاوٌّ: گرم است / حَاوٌّ خیر است و به همراه است ترجمه می‌شود. / بررسی سایر گزینه‌ها: ۲. یَوْمًا أَحْوَرٌ: روزی گرم‌تر / ۳. وسط النهار: وسط روز / حرارته الحادة: گرمی هوايش / ۴. أداة: وسیله مفرد است.

۹۶۷. گزینه ۲ کلمات کلیدی: أَنْ یَتَّبِعَ: که دوری کنیم / أَنْ لَا نَدَّكُرَ: ذکر نکنیم در گزینه ۲ عبارت عَلَيْنَا أَنْ یَتَّبِعَ غِنَ الْعَجَبِ به معنای «ما باید از خودپسندی دوری کنیم (فاصله

بگیریم)». است که به صورت «ما باید خود را از خودپسندی دور کنیم» ترجمه شده است که نادرست است، چرا که ضمیر «خود را» در متن عربی معادلی ندارد.

۹۶۸. گزینه ۲ کلمات کلیدی: ساعدوا! فعل امر: یاری کنید / خِیْرٌ لَکُمْ: برایتان خوب‌تر است.

۹۶۹. گزینه ۴ نکته کلیدی: ترجمه اسم تفضیل / بررسی گزینه نادرست: أنفع اسم تفضیل است و چون مضاف است، یعنی «سودمندترین»، هم‌چنین أَحَبُّ هم اسم تفضیل و مضاف است، یعنی «محبوب‌ترین» یا «دوست‌داشتنی‌ترین». این دو کلمه در گزینه ۴ خطا هستند، پس گزینه ۴ پاسخ این سؤال است. / **ترجمه جمله:** «سودمندترین دانش‌آموران برای هم کلاسی‌هایش محبوب‌ترین آن‌هاست.»



پاسخ‌نامه درس ۲ عربی یازدهم

۹۷۰. گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. خلف (بشت) = الورا = ۲. یئنی (می‌سازد) = یئشیء ۳. جام = کأس

۹۷۱. گزینه ۱ حَیٌّ (زنده) ≠ مِیت (مرده)

۹۷۲. گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. دنا (دور شد) = بَعْدَ ۲. ضَرَّ (ضرر رساند) ≠ نَفَع (سود رساند) ۴. اللتفت (روی برگرداند) و تَوَجَّهَ (توجه کرد) مترادف نیستند. مصدرهای این دو فعل، التفتات و توجه، در فارسی تا حدودی مترادف حساب می‌شوند، ولی در عربی چنین نیست.

۹۷۳. گزینه ۱ فارقون یا فارقین جمع فارق است. این کلمه به معنی «دقیق» یا «اختلاف» است و ربطی به فُرقان (جداکننده حق از باطل) ندارد.

۹۷۴. گزینه ۱ در گزینه ۱، الاحیاء (زندگان) جمع کلمة الحیّ است. / **دقت در سایر گزینه‌ها:** ۲. المشاغِب یعنی «شلوغ‌کننده». این کلمه مفرد است. ۳. مجال یعنی «زمینه». این کلمه هم مفرد است. ۴. الالتفات یعنی «روی برگرداندن». این کلمه هم مفرد است و جمع مؤنث سالم نیست. هم‌چنین، شَخْصِین (دو نفر) منثی است نه جمع؛ به حرکت کسره بر حرف «ن» دقت کنید. **معنی جمله:** «برتوست عدم روی گرداندن به سوی کلام پنهان میان دو شخص».

۹۷۵. گزینه ۴ علم الاحیاء یعنی «زیست‌شناسی» نه «علم مطالعه خواص عناصر»: این علم «شیمی» (الکیمیاء) است.

۹۷۶. گزینه ۴ تابلویی در برابر دانش‌آموزان که بر آن نوشته می‌شود: السَّبْوْرَةُ (تخته‌سیاه) است نه الکرسی (صندلی).

۹۷۷. گزینه ۲ معنی درست سایر گزینه‌ها: ۱. سوف یبتئبه = آگاه خواهد شد ۳. خاطب: مورد خطاب قرار دهند (این فعل مفرد است، ولی با توجه به فاعل که الجاهلون است، در فارسی به صورت جمع معنی می‌شود). ۴. لا تجالسوا: همنشینی نکنید

۹۷۸. گزینه ۲ ترجمه درست سایر گزینه‌ها: ۱. واجباتهم المدرسیة: تکلیف‌های مدرسه‌ای آن‌ها ۳. اولئک المُدْرَسُونَ: آن معلم‌ها ۴. هذه اخلاق سیتة: این اخلاقی ناپسند است.

۹۷۹. گزینه ۴ یعنی «یاد دادن»: این کلمه در جمله معنایی ندارد. / **معنی جمله با سایر کلمه‌ها:** «بر دانش‌آموز واجب است از عمل به (انجام نوشتن) تکلیف‌های مدرسه‌ای فرار نکند.»

۹۸۰. گزینه ۴ هر کس قبل از سخن گفتن فکر کند از خطا در امان می‌ماند / بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. این برنده طاقان نامیده شد (شَمِی فعل مجهول) زیرا به دلیل حرکت بال‌هایش صدایی ایجاد می‌کند. (شَمِی = نامید) ۲. او کوچکترین (أصغر، اسم تفضیل) برنده روی زمین است. (صغیر: کوچک) ۳. هر کس آزموده‌ای (مَجْرَبٌ، اسم مفعول) را بیازماید بنیسمانی به او روی می‌آورد. (مَجْرَبٌ: آزماینده)

۹۸۱. گزینه ۲ الاخرین (دیگران) جمع است: تارة (مرتبه) و مَرَّة مترادف هستند.

۹۸۲. گزینه ۲ یفرغ: تمام شود

۹۸۳. گزینه ۳ علیا و سفلی متضادند اما اسم جمع در این جمله نیست. / بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. آخرین: جمع مَدَّكَ / نفع و ضرر متضاد / ۲. طیور، اَسنان اسم جمع / یدخل و یدخرج متضاد. ۴. آنفس اسم جمع / أحسنتم و أسأتم متضاد

۹۸۴. گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. امتلات: پر شد / ۳. لا أدری: نمی‌فهمم / ۴. وافق: موافقت کرد

۹۸۵. گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. الفرقان: نیروی تشخیص حق از باطل / ۲. سلوک: رفتار / ۴. کمشاکة: مانند چراغدانی

۹۸۶. گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. نُضِیء: روشن می‌کند / ۳. در جمله ۴ اسم جمع است (علماء، انواع، حشرات، ملایین) ۴. مترادف سُخْرِیة: استهزاء.

۹۸۷. گزینه ۴ أجل: گرانقدرتر

۹۸۸. گزینه ۲ تعنت (مچ‌گیری): طرح سؤال، صعب بهدف ایجاد المشقة للمسؤول (طرح سؤالی سخت به منظور ایجاد مشکل برای فرد سؤال شونده) الالتفات: (روی برگرداندن): من الأعمال القبیحة التي یرتکها الطالب المشاغِب (از کارهای زشتی است که دانش‌آموزان اخلاق‌گر مرتکب می‌شوند) التجمع والدوران حول شیء: جمع شدن و حرکت پیرامون چیزی. / صدیقٌ یفدک من مصیبة الجهل: دوستی که تو را از مصیبت نادانی نجات می‌دهد.